

گونه‌ها و عوامل افزوده‌نگاری بر متون حدیثی با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه*

محمد کاظم رحمان ستایش* و مجتبی پور موسی***

چکیده

متون حدیثی مانند هر متن کهن، ممکن است در طول سیر انتقال خود از پیشینیان به عصرهای بعد، دچار اضافه یا حتی نقصان شود. نوشتار حاضر در پی دسته‌بندی افزوده‌های واقع بر متون حدیثی و بیان برخی از این تقسیم‌ها و همچنین شناسایی عوامل ایجاد پدیده اضافه بر میراث حدیثی است. در این راستا نگارنده با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه و با جمع‌آوری گزارش‌های مرتبط، به روش توصیفی تحلیلی گام برداشته است. تقسیم به لحاظ افزوده‌نگار، تقسیم به لحاظ گستره افزوده و تقسیم از جهت وضعیت نشانه‌گذاری از نتایج دسته‌بندی افزوده‌ها بیان گردیده و عناصری مانند ادراج، نقل به معنا و تحریف از عوامل و بسترهای ایجاد افزوده بر متن گفته شده است.

واژگان کلیدی: افزوده‌نگاری، عوامل افزوده، انواع افزوده، مزید و مدرج، متون حدیثی، اعتبارسنجی.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران؛ (Kr.setayesh@gmail.com).

*** پژوهشگر و مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث، حوزه علمیه قم، قم، ایران، «نویسنده مسئول»؛

(Mojtabapormusa313@gmail.com).

مقدمه

متون حدیثی همانند هر متن کهن دیگر، ممکن است در مسیر انتقال خود به نسل‌های بعد دچار آسیب شود. از جمله این آسیب‌ها، اضافاتی بر این متون اعم از یک روایت یا یک کتاب حدیثی است. در تعامل با این گونه متون، شناخت و دانستن موارد متعددی مانند ماهیت پدیده، گونه‌های آن، راهکارهای شناخت، عوامل ایجاد و نیز پیامدهای احتمالی آن پدیده باید مورد بررسی قرار گیرد.^۱ رسالت این نوشتار گونه‌شناسی پدیده افزوده بر متون حدیثی و نیز شناسایی برخی از عوامل و بسترهایی است که موجب بروز این پدیده در میراث حدیثی شده‌اند. گرچه دسته‌بندی‌ها و نیز عوامل و بسترهای شناسایی شده عام بوده و قابل تعمیم در میراث حدیثی فریقین را دارند؛ اما جهت‌گیری این تحقیق با تأکید بر میراث حدیثی متقدم شیعه بوده و بیشتر نمونه‌ها با این نگاه انتخاب شده‌اند.

تاکنون درباره این مسأله، پژوهش مستقلی انجام نپذیرفته و به همین دلیل، پرداختن به آن ضروری است. این نوشتار با تمرکز در میراث حدیثی و با بهره‌گیری از منابع مکتوب به روش فیش‌برداری و پردازش به شیوه توصیفی تحلیلی سامان یافته و راه را برای دیگر پژوهش‌ها در این عرصه گشوده است.

الف. انواع افزوده‌نگاری

تقسیم بندی‌های مختلف و متفاوتی را می‌توان از اضافات واقع بر کتاب یا روایت یا موارد مشترک ارائه داد؛ اما در این بخش به ذکر سه تقسیم‌بندی مهم اکتفا می‌شود.

۱. تقسیم به لحاظ افزوده‌نگار

این تقسیم مختص به افزوده بر کتاب بوده و افزوده‌نگار یکی از افراد ذیل است: مؤلف کتاب، راوی کتاب و نسخه‌بردار.

۱/۱. افزوده توسط مؤلف

به‌طور معمول مؤلف یک کتاب، زمانی اقدام به تدریس و نشر آن می‌کند که آن کتاب به پایان رسیده باشد؛ اما گاه اتفاق می‌افتد که مؤلف پس از یک‌دوره تدریس، به تکمیل یا بازنگری در فقراتی

۱. نگارنده در ضمن پایان‌نامه‌ای با عنوان: «افزوده نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تأکید بر کتاب کامل الزیارات» (سطح سه، حوزه علمیه قم، ۱۴۰۱) به این موارد پرداخته است. نوشتار حاضر نیز حاصل دو گفتار از پایان‌نامه مذکور است که به‌صورت مقاله حاضر سامان یافته است.

از کتاب خود اقدام کند که به‌طور طبیعی نتیجه چنین رویدادی، اختلاف نسخه‌های یک کتاب و وقوع افزوده از سوی خود مؤلف بر اثر اولیه‌اش است.^۱ در ادامه به برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

نمونه اول: کتاب نهج البلاغه: یکی از بهترین نمونه‌ها در این باره، کتاب نهج البلاغه سید رضی (م ۴۰۶ ق) است. ظاهراً سید رضی این کتاب را در سه مقطع نگاشته و اختلاف نسخه‌های مربوط به این مقاطع، در بخش کلمات قصار است. به تناسب همین مقاطع، در حال حاضر سه تحریر از این کتاب وجود دارد:

تحریر اول: این تحریر حاوی ۲۶۰ کلمه قصار از امیرالمومنین علی علیه السلام است و سید پس از آن، بخشی با عنوان «فصل نذکر فیه شیئا من غریب کلامه المحتاج الی التفسیر»^۲ می‌گشاید و نه قصار از حضرت که نیازمند تفسیر است را ذکر کرده و بخشی از نسخه‌های خطی نهج البلاغه در همین جا به پایان می‌رسند.

تحریر دوم: تحریر دوم این کتاب، نسخه فعلی نهج البلاغه که مشهور و در دسترس است؛ پس از فصل غرائب، مؤلف کلمات قصار را از قصار ۲۶۱ تا ۴۸۰ ادامه می‌دهد.^۳

تحریر سوم: این تحریر مربوط به نسخه ابن ابی‌الحدید است. در این نسخه، کلمات قصار پس از قصار ۴۸۰ ادامه پیدا کرده و حدود ۴۰ قصار افزون بر دیگر نسخه‌ها در بردارد. یعنی کلمات قصار در این تحریر حدود ۵۲۰ کلمه است.^۴

مؤلف مدتی روی نهج البلاغه کار کرده و کلمات قصار را اضافه کرده و در سه مقطع این کتاب را برای شاگردانش املا کرده و آنان نیز استنساخ کرده‌اند.^۵

۱. همان، ص ۲۳.

۲. پژوهشگر معاصر نذیر حمدان در ضمن فصلی در کتاب خود به اختلافات تحریرهای مختلف کتاب موطأ مالک می‌پردازد. این اختلافات گاهی گسترده، می‌تواند به دلیل مشی و خلق و خوی سختگیرانه مالک در تهذیب احادیث و در نتیجه چند دوره تدریس کتابش باشد که در هر دوره، تعدادی از احادیث را تهذیب کرده است. برای اطلاع در رابطه با اختلافات تحریرهای این کتاب، ر.ک: نذیر حمدان، ص ۱۴۹ تا ۱۶۵.

۳. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۱۵.

۴. همان، ص ۵۵۹.

۵. ر.ک: شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)؛ نقد متن، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

۶. نقد متن، ص ۲۳۱.

نمونه دوم: کتاب تهذیب الاحکام: نمونه دیگر در رابطه با افزوده توسط مؤلف، ابواب الزیادات کتاب تهذیب شیخ طوسی است. مؤلف در این کتاب پس از اتمام نگارش آن، ابوابی را به آن افزوده و با نام گذاری متناسب، آن را برای پسینیان خود، نشانه گذاری کرده است.^۱

مؤلف در ابتدا سعی داشته تا مدارک فتوایی شیخ مفید در «مقنعه» را بیان و بررسی نماید اما پس از مدتی و گویا به انگیزه ذکر تمامی روایات فقهی، دست از شیوه قبلی برداشته و روش دیگری را بنا می‌نهد. در این جریان، ابوابی نیز تحت عنوان «ابواب الزیادات» شکل گرفته است.^۲

نمونه سوم: الغیبه نعمانی: سید محمدجواد شبیری زنجانی نسبت به اختلاف نسخه‌های کتاب غیبت نعمانی احتمال داده که مؤلف پس از تألیف کتاب، برخی از روایت‌ها را خود به کتاب افزوده باشد^۳ و این تغییر توسط مؤلف در گذر زمان موجب اختلاف میان نسخه‌های این کتاب شده است.^۴

۱/۲. افزوده توسط راوی کتاب

بخشی از افزوده‌های واقع شده بر یک کتاب، ناشی از عملکرد راوی کتاب است.

نمونه اول: کتاب کامل الزیارات: نسخ‌های که امروزه از این کتاب موجود است، روایت ابوعبدالله بوشنجی است. راوی این کتاب حدود ۵ افزوده به شرح ذیل بر آن افزوده است:

۱. وَ زَادَهُ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَقِبَ هَذَا الْحَدِيثِ فِي هَذَا الْبَابِ بِمَا أَخْبَرَهُ بِهِ حَيْدَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَعِيمِ السَّمَرَقَنْدِيِّ... ۵

۲. وَ مِنْ زِيَادَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ مَا فِي حَدِيثِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَا الْقَمِّي... ۶

۳. حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي زَاهِرٍ... ۷

۱. برای نمونه ر.ک: تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۴۵، بخش ابواب الزیادات فی ابواب کتاب الطهاره.

۲. مقاله تهذیب الاحکام، دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۶۹۲ - ۷۰۱.

۳. بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه، ص ۳۹۸.

۴. تاریخ حدیث مکتوب شیعه، ص ۲۲۳.

۵. کامل الزیارات، ص ۲۴۹، باب ۸۲، ج ۵.

۶. همان، ص ۲۵۰، باب ۸۲، ج ۹.

۷. همان، ص ۲۵۰، باب ۸۲، ج ۱۰.

۴. للحسین بن أحمد بن المغيرة فيه حديث - رواه شيخه أبو القاسم رحمه الله مصنف هذا الكتاب و نقل عنه... ۱۴

۵. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِيرَةِ... ۲

نمونه دوم: کتاب کافی: کتاب الکافی سه تحریر مهم دارد: ۱. تحریر جعفر ابن قولویه؛ ۲. تحریر احمد بن محمد صفوانی؛ ۳. تحریر ابن ابی زینب نعمانی.

در نسخه صفوانی، فقراتی وجود دارد که گویا در دیگر روایت‌ها از کافی وجود ندارد. برای نمونه با جستجوی کلیدواژه «و فی نسخة الصفوانی» می‌توان به برخی از این موارد دست یافت. همچنین روایت طولانی در ضمن یکی از نسخه‌های کافی وجود دارد که فقط در نسخه صفوانی موجود بوده^۳ و در دیگر نقل‌ها یافت نمی‌شود. البته نسخه چاپی فعلی ظاهراً ترکیبی از چند نسخه و با تطبیق و مقایسه با نسخه صفوانی است که جای پژوهشی جداگانه دارد.^۴

در میان کتب اهل سنت نیز نمونه‌هایی همچون سنن ابی‌داود سجستانی (م ۲۷۵ق) و الطبقات الکبری ابن سعد (م ۲۳۰ق) وجود دارد که دارای تحریرهای مختلف و در نتیجه وجود اضافاتی در برخی از این تحریرها نسبت به دیگری هستند.^۵

۱/۳. افزوده توسط نسخه‌بردار

یکی از دیگر از عوامل ایجاد افزوده در یک اثر، فرایند استنساخ به عاملیت نسخه‌بردار است. البته نسخه‌بردار گاه موجب نقصان یک اثر می‌شود؛ مانند آنچه در کتاب تفسیر عیاشی (م ۳۲۰ق) رخ داده است.^۶ گاهی نیز نسخه‌بردار باعث ایجاد افزوده‌هایی بر اثر می‌شود. به عبارت دیگر، ممکن است مطالبی به دست ناسخ تزریق شود و متن فربه‌تر از آنچه هست بشود.^۷

نمونه: کتاب تفسیر قمی: کتاب تفسیر قمی منسوب به علی بن ابراهیم بن هاشم بن اسحاق قمی (زنده در ۳۰۷ق) از جمله کتاب‌های بحث برانگیز شیعی است که خصوصاً در سال‌های اخیر

۱. همان، ص ۲۵۹ - ۲۶۶، باب ۸۸، ح ۱.

۲. همان، ص ۲۷۳، باب ۹۰، ح ۳.

۳. الکافی (اسلامیه)، ج ۱، ص ۲۸۱ - ۲۸۴.

۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک: نقد متن، ص ۲۳۳ - ۲۳۷.

۵. ر.ک: همان، ص ۲۳۲ و ۲۳۳، ۲۳۷ - ۲۴۳.

۶. نسخه‌بردار مواردی را از جمله اسناد روایات این تفسیر مأثور را حذف کرده است. تفسیر العیاشی.

۷. ر.ک: نقد متن، ص ۲۴۳.

پژوهش‌های متعددی در رابطه با نویسنده، اصالت، اعتبار و ... آن انجام گرفته است. نجاشی به هنگام شمارش تألیفات علی بن ابراهیم نخست از کتاب التفسیر او نام برده و شیخ طوسی نیز چنین کرده است.^۱ این امر نشان‌دهنده شهرت تفسیر علی بن ابراهیم در قرن چهارم است.^۲ مشکل اما در نسخه‌های موجود از این کتاب است. قرائن متعددی در رابطه با نسخه موجود این کتاب وجود دارد که این اثر همان کتاب تفسیر علی بن ابراهیم نبوده و حاوی افزوده‌های متعدد است. برای نمونه در این اثر از روایانی مانند ابن عقده (م ۳۳۲ق)، ابن همام اسکافی (م ۳۳۶ق)، عبدالله بن جعفر حمیری و ... نقل حدیث شده که به لحاظ طبقه متاخر از علی بن ابراهیم هستند. همچنین روایت به واسطه معاصران علی بن ابراهیم از اساتید او، گواه دیگری بر این مطلب است که فقرات متعددی از این کتاب توسط شخص دیگری بر کتاب افزوده شده و شواهد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که به همین مقدار اکتفا می‌شود.^۳

۲. تقسیم افزوده به لحاظ گستره آن

بررسی گستره افزوده در دو ساحت افزوده بر کتب و بر روایت قابل پیگیری است:

۲/۱. افزوده در کتب

مسأله افزوده در کتب به دو صورت قابل تصور است:

الف. افزوده گسترده؛ در این نوع، اضافات به قدری است که اثر را تحت الشعاع قرار داده و آن را به کتابی دیگر تبدیل کند. برای اینکه چنین فرضیه‌ای در رابطه با اثری اثبات شود نیاز به قرائن و شواهد متعددی داریم؛ از جمله وجود نسخه دیگری از اثر اصلی تا از رهگذر مقابله با نسخه دارای افزوده، دوگانگی و افتراقات آنان مشخص شود که در جای خود قابل بررسی است.

ب. اضافات جزئی و محدود؛ به صورتی که اصل اثر به قوت خود باقی بوده و صرفاً چند گزارش در لابه‌لای حجم عظیم محتوای کتاب گنجانده شود. برای نمونه کتاب «کامل الزیارات» دارای چنین افزوده‌هایی است. راوی کتاب حدود پنج گزارش به مجموع حدود ۷۵۵ روایت موجود در کتاب افزوده است.^۴

۱. رجال النجاشی، ص ۲۶۰، الفهرست، ص ۱۵۲.

۲. تفسیر روایی جامع، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۵، ص ۷۰۰ - ۷۰۳؛ تفسیر روایی جامع، ص ۲۵۳ - ۲۵۷؛ معرفی توصیفی تفاسیر روایی معروف شیعه، ص ۴۵ - ۴۸.

۴. ر.ک: «واکاوی ابهامات درباره انتساب کامل الزیارات به ابن قولویه»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۵۴.

قابل ذکر است که در گذشته راویان و دانشوران اسلامی با اهدافی چون رفع نقایص و یا تکمیل کتاب دست به افزودن و یا حتی تغییرات گسترده‌ای در ساختار کتاب همچون تبویب آثار می‌زدند. برای نمونه افزوده‌های محمد ابن ابی عمیر بر کتاب حلبی،^۱ اضافات علی بن مهزیار بر برخی از کتب حسین بن سعید،^۲ ادراجات عبدالرحمن بن ابی نجران بر کتاب القضايا محمد بن قیس،^۳ تبویب برخی از کتب حدیثی توسط داود بن کوره^۴ و... همه از این دست هستند.

۲/۲. افزوده در روایت

افزوده در روایات در دو ساحت افزوده بر سند روایت و افزوده بر متن آن قابل پیگیری است، اما از آنجا که افزوده بر سند روایت از بحث این نوشتار خارج است؛ صرفاً به ذکر نمونه‌ای در رابطه با افزوده بر متن روایت می‌پردازیم:

زراره بن اعین از امام باقر علیه السلام در رابطه با تعداد افرادی که نماز جمعه بر آنان واجب می‌شود سوال کرده که حضرت در جواب فرمود:

تجب علی سبعة نفر من المسلمین و لا جمعة لأقل من خمسة من المسلمین
أحدهم الإمام فإذا اجتمع سبعة و لم یخافوا أهمهم بعضهم.^۵

۱. برای اطلاع بیشتر در زمینه افزوده‌های ابن ابی عمیر بر کتاب حلبی ر.ک: «بررسی ابهاماتی پیرامون اصالت کتاب عبیدالله بن علی حلبی»، مجله سفینه، ش ۶۲.

۲. شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد: «قال أحمد بن أبي عبد الله البرقي: إن علي بن مهزيار أخذ مصنفات الحسين بن سعيد و زاد عليها في ثلاثة كتب منها زيادة كثيرة أضعاف ما للحسين منها: كتاب الوضوء و كتاب الصلاة و كتاب الحج و سائر ذلك زاد شيئاً قليلاً»؛ (فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۶۵ و ۲۶۶).

۳. نجاشی در این زمینه می‌نویسد: «عبد الله بن محمد بن خالد عن عبد الرحمن بن أبي نجران بكتابه القضايا و هو كتاب محمد بن قيس رواه عن عاصم بن حُميد عن محمد و زاد عبد الرحمن فيه زيادات»؛ (رجال النجاشي، ص ۲۳۵).

۴. فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۱۸۳؛ الرجال، ص ۴۲۶.

۵. «و هو الذي بَوَّبَ كتاب النوادر لأحمد بن محمد بن عيسى و كتاب المشيخة للحسن بن محبوب السراد»؛ (رجال النجاشي، ص ۱۵۸).

۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۱۲.

در رابطه با بخش پایانی که جزئی از روایت است یا کلامی از شیخ صدوق، اختلاف شده است. برخی از اندیشمندان از عبارت «فاذا اجتمع سبعة» را جزو کلام صدوق دانسته‌اند.^۱ برخی دیگر نیز از عبارت «و لا جمعه» به بعد را از کلام صدوق برشمرده‌اند.^۲

۳. تقسیم به لحاظ وضعیت نشانه گذاری

در این تقسیم بندی، آثار و یا روایات دارای افزوده به دو دسته ذیل تقسیم می‌شوند:

۳/۱. افزوده بدون نشانه گذاری

در این قسم، افزوده‌ها بدون هرگونه نشانه، علامت و... است. در این صورت باید با بهره‌گیری از راهکارهایی به شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر متن پرداخت.^۳

۳/۲. افزوده با نشانه گذاری

در این موارد، افزوده‌نگار با نشانه‌گذاری مناسب، افزوده‌ها را مشخص ساخته است. البته چنین نشانه‌هایی در افزوده بر کتاب کارایی بیشتری دارد. این مورد در حقیقت چیزی است که در کتاب‌هایی مانند کتاب کامل الزیارات با آن مواجهیم. راوی کتاب در تمامی موارد اضافاتی که شناسایی شده؛ آنها را با قرائن متعدد نشانه‌گذاری نموده است.^۴

افزون بر اینکه به صرف ادعای احتمال وجود اضافات دیگری بر یک اثر - آن هم بدون ذکر دلیل و مستند - نمی‌توان مدعی مغایرت نسخه موجود با اثر اصلی مؤلف شد.

ب. عوامل و بسترهای ایجاد افزوده

از دیگر مواردی که می‌بایست در رابطه با افزوده، مورد بررسی قرار گیرد، عوامل ایجاد آن است. در این بخش به چهار عامل پرداخته می‌شود.

۱. مانند فاضل تفرشی و آیت الله بروجردی؛ ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۱۲، پانویس ۱.

۲. مرحوم بحر العلوم نیز جزو همین دسته است؛ ر.ک: مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط. الحديثة)، ج ۸، ص ۲۴۴.

۳. ریاض المسائل (ط. القديمة)، ج ۴، ص ۳۹؛ مصابیح الظلام في شرح مفاتیح الشرائع، ج ۱، ص ۳۱۲؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۵.

۴. برای اطلاع از راه‌های شناسایی و کشف افزوده‌های واقع بر متن ر.ک: پایان‌نامه «افزوده نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تاکید بر کتاب کامل الزیارات»، فصل دوم.

۵. برای اطلاع از موارد افزوده شده بر کتاب کامل الزیارات و نحوه عملکرد افزوده‌نگار در آن، ر.ک: «واکاوی ابهامات درباره انتساب کامل الزیارات به ابن قولویه»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۵۴.

۱. ادراج

درج عبارت است از «داخل شدن و نفوذ یافتن چیزی به واسطه عملکرد راوی در متن حدیث یا کتاب». عنصر اصلی در این نوع از افزوده، راوی است که با عملکرد خود و با کمال آگاهی به افزودن چیزی در متن حدیث یا کتاب دیگران می‌پردازد.

ادراج توسط راوی در روایت به سه صورت قابل تصور است:

یک. ابتدای روایت؛ مانند روایت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

اسبغوا الوضوء، ویل للأعقاب من النار.^۱

ابن حجر و سیوطی فراز «اسبغوا الوضوء» را افزوده ابوهریره می‌دانند.^۲ از معاصران نیز محمود ابوریه^۳ قائل به همین نظر است.^۴ گزارشی که در مسند احمد بن حنبل نیز ذکر شده، موید همین برداشت است:

محمد بن زیاد قال کان أبو هريرة يمر بنا ونحن نتوضأ من المطهرة فيقول لنا
اسبغوا الوضوء سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ويل للأعقاب
من النار.^۵

دو. میانه روایت؛ مانند روایت:

ابن عمر قال قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لا يذهب الدنيا حتى يبعث الله رجلا من
أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي يملأها قسطا وعدلا كما ملئت
جورا وظلما.^۶

علامه شوشتری فراز «اسم ابیه اسم ابی» را زیادهای از سوی مدعیان دروغین مهدویت برمی‌شمارد.^۷

۱. تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۴؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۶۹.

۲. النکت علی کتاب ابن الصلاح، ص ۳۵۲؛ تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ص ۳۱۸.

۳. أضواء علی السنة المحمدية، ص ۱۴۰.

۴. وضع حدیث، ص ۱۶۸.

۵. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۳۰.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۷. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۲۹.

سه. انتهای روایت: مانند روایت نقل شده از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

بین کل اذانین صلاه الا المغرب.^۱

این گزارش بدون فراز «الا المغرب» در منابع متعددی ذکر شده است.^۲ فراز آخر این گزارش را به حبان/حیان بن عبدالله نسبت داده‌اند.^۳

همچنین ممکن است مطالبی توسط راوی کتاب یا شخص دیگر به یک کتاب حدیثی اضافه شود. برای نمونه نجاشی به هنگام یادکرد عمرو بن شمر، افزودن مطالبی به کتاب‌های جابر بن یزید جعفی را به او منتسب کرده، می‌نویسد:

زید احادیث فی کتب جابر الجعفی، ینسب بعضها الیه؛ و الامر ملبس.^۴

گفتنی است که عمرو بن شمر مهم‌ترین راوی کتاب‌های جابر جعفی بوده و بیش از ۵۱٪ روایات جابر که در کتب اربعه شیعه منعکس شده، توسط او روایت شده است. همچنین ۱۵۷ روایت از مجموع ۱۷۷ روایت نقل شده از عمرو بن شمر در کتب اربعه، از طریق استادش جابر است.^۵

۲. نقل معنا

نقل معنا عبارتست از «نقل معنا و محتوا/مضمون یک روایت بدون جمود و تکی‌های خاص بر الفاظ و واژه‌ها و نیز صورت‌های دستوری به‌کاررفته توسط معصوم».^۶ نقل معنا و پیامدهای آن همواره از سوی دانشمندان فریقین مورد بررسی بوده و از چالش‌های فراروی روایات است. در اینجا هم مانند مورد پیشین، عنصر اصلی که در نقل معنا موجب افزوده می‌شود، راوی است. آیت‌الله بروجردی نقل معنا را گرچه شیوه‌ای معقول و دارای مجوز می‌داند، اما خطاهای راویان در این فرایند

۱. المحلی فی شرح المجلی، ج ۲، ص ۲۵۳؛ تذکرة الموضوعات، ص ۳۶.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۱۲؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۸۹؛ سنن الترمذی ج ۱، ص ۱۲۰.

۳. المحلی فی شرح المجلی، ج ۲، ص ۲۵۳؛ تذکرة الموضوعات، ص ۳۶.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۸۷، ش ۷۶۵.

۵. آمارها توسط نرم افزار درایة النور تهیه شده است. همچنین ر.ک: تاریخ حدیث مکتوب شیعه، ص ۲۲۷.

۶. برای اطلاع در این زمینه ر.ک: منطق فهم حدیث، ص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ روش فهم حدیث، ص ۱۵۳؛ فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا، ص ۳۰.

را نیز گوشزد کرده است.^۱ خطاهایی که گاه موجب قلب احادیث و یا نقصان یا افزوده بر متن روایت می‌شود.

به‌عنوان نمونه، الکافی روایت ذیل را چنین نقل می‌کند:

۱۹

حوزه
حکایت

محمد بن یحیی عن محمد بن أحمد عن محمد بن عیسی عن أخیه جعفر بن عیسی بن یقطین عن أبی الحسن الأول علیه السلام قال: لا بأس بالشهادة علی إقرار المرأة و لیست بمسفرة إذا عرفت بعینها أو حضر من یعرفها فأما إن لا تعرف بعینها و لا یحضر من یعرفها فلا یجوز للشهود أن یشهدوا علیها و علی إقرارها دون أن تسفر و یظنوا إلیها.^۲

تهذیب الاحکام نیز با اختلافی اندک همان متن را گزارش کرده است:

أحمد بن محمد عن أخیه جعفر بن عیسی عن ابن یقطین عن أبی الحسن الأول علیه السلام قال: لا بأس بالشهادة علی إقرار المرأة و لیست بمسفرة إذا عرفت بعینها أو حضر من یعرفها فأما إن كانت لا تعرف بعینها و لا یحضر من یعرفها فلا یجوز للشهود أن یشهدوا علیها و علی إقرارها دون أن تسفر و یظنوا إلیها.^۳

اما این روایت در کتاب من لا یحضره الفقیه بدین صورت نقل شده:

روی عن علی بن یقطین عن أبی الحسن الأول علیه السلام قال لا بأس بالشهادة علی إقرار المرأة و لیست بمسفرة إذا عرفت بعینها أو یحضر من عرفها. و لا یجوز عندهم أن یشهد الشهود علی إقرارها دون أن تسفر فینظر إلیها.^۴

فقره اخیر از اضافات راوی و به احتمال فراوان کلام شیخ صدوق است و گویا برداشت و تلاش برای خلاصه کردن فقره انتهایی حدیث اصلی است؛ تلاشی که تا حدی ناموفق بوده و با نقل معنا،

۱. الاحادیث المقلوبه و جواباتها، ص ۳۱.

۲. الکافی (اسلامیه)، ج ۷، ص ۴۰۰.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۵۵.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۶۷.

موجب اضافه شدن معنایی و نیز از دست رفتن معنایی دیگر از حدیث و نیز اختلاف میان احادیث شده است. گویا در متن سند نیز تغییراتی وجود دارد.^۱

۳. تحریف

مراد از تحریف در اینجا دس و جعل در حدیث است. جعل در حدیث به دو صورت کلی و جزئی است. گوهر معنایی واژه دس را می‌توان «مخفی کردن چیزی در لایه زیرین چیز دیگر» دانست.^۲ در اصطلاح نیز دس و وضع به معنای داخل کردن غیر حدیث در حدیث یا در مجموعه احادیث است.^۳ وضع از جمله عوامل ایجاد افزوده بر یک متن حدیثی است.

به‌عنوان نمونه، بیهقی در السنن الکبری خود و از بخاری، واقعه‌ای از مواجهه کلامی میان عثمان بن عفان و امام علی علیه السلام نقل می‌کند:

ابو بکر بن فورك أنبا عبد الله بن جعفر ثنا يونس بن حبيب ثنا أبو داود ثنا شعبة عن الحكم عن علي بن حسين عن مروان بن الحكم قال: «شهدت عثمان وعلياً رضي الله عنهما بين مكة وعثمان رضي الله عنه ينهي عن المتعة وان يجمع بينهما فلما رأى ذلك علي رضي الله عنه أهل بهما جميعاً فقال لبيك بعمرة وحجة معا فقال عثمان رضي الله عنه تراني انهي الناس عن شيء وأنت تفعله فقال ما كنت لأدع سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم لقول أحد من الناس». ^۴

مطابق این گزارش، خلیفه سوم از جمع میان حج تمتع و عمره نهی کرده، اما امیرالمومنین علیه السلام را در حال جمع میان این دو حج دیده و به او معترض می‌شود. اما در نهایت حضرت با نقل سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جواب او را داده و او را اسکات می‌کند. این را می‌توان در گزارش دیگری از همین کتاب - که در صحیح مسلم نیز وجود دارد - مشاهده کرد:

۱. برای اطلاع بیشتر در رابطه با سرگذشت این روایت ر.ک: الاخبار الدخيلة (مکتبه صدوق، ج ۴، ص ۲۶۳ و ۲۶۴).
 ۲. کاربری‌های متعددی برای این واژه به کار رفته که قدر مشترک و گوهر آن «پوشاندن و مخفی کردن چیزی زیر چیز دیگر» است؛ برای نمونه ر.ک: أساس البلاغة، ج ۱، ص ۱۸۷؛ الصحاح (للجوهری)، ج ۳، ص ۹۲۸؛ تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۱۹۸؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۷۰.
 ۳. ر.ک: اسباب اختلاف الحدیث، ص ۱۵۳.
 ۴. السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۵۲.

أبو عبد الله الحافظ أنبأ محمد بن يعقوب بن يوسف حدثني أبي ثنا محمد بن المثنى (ح وأخبرنا) أبو عبد الله الحافظ أنبأ أبو الفضل بن إبراهيم ثنا أحمد بن سلمة ثنا محمد بن بشار قال ثنا محمد بن جعفر ثنا شعبة عن قتادة قال قال عبد الله بن شقيق: «كان عثمان رضى الله عنه ينهى عن المتعة وكان على رضى الله عنه يأمر بها فقال عثمان لعلى كلمة ثم قال على لقد علمت انا قد تمتعنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم قال أجل ولكننا كنا خائفين»^۱.

بنا به این گزارش‌ها، عثمان به حضرت علی علیه السلام اعتراض کرده است.

اما با بررسی طریق شیعی این روایت و به نقل از امام صادق علیه السلام حقیقت ماجرا روشن می‌شود:

موسی بن القاسم عن ابن أبي عمير عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله علیه السلام قال: «إن عثمان خرج حاجا فلما صار إلى الأبواء أمر مناديا ينادي بالناس اجعلوها حجة و لا تمتعوا فنادى المنادى فمر المنادى بالمقداد بن الأسود فقال أما لتجدن عند القلائص رجلا ينكر ما تقول فلما انتهى المنادى إلى علي علیه السلام و كان عند ركائبه يلقمها خبطا و دقيقا فلما سمع النداء تركها و مضى إلى عثمان فقال: «ما هذا الذي أمرت به؟» فقال: رأى رأيتة! فقال: «و الله لقد أمرت بخلاف رسول الله صلى الله عليه وآله» ثم أدبر موليا رافعا صوته: «لبيك بحجة و عمرة معا لبيك» و كان مروان بن الحكم لعنه الله يقول بعد ذلك فكأنى أنظر إلى بياض الدقيق مع خضرة الخبط على ذراعيه»^۲.

بر پایه این روایت، امام علی علیه السلام پس از شنیدن اعلام حکمی مبنی بر عدم جمع میان تمتع و

عمره، دست از کار شسته و سراغ خلیفه سوم رفته و به او اعتراض کرده و سنت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله را گوشزد می‌کند. علامه شوشتري، گزارش محرف بیهقی را ناشی از تلاش برای معکوس جلوه‌دادن ماجرا و فاعل اعتراض دانسته^۳ و گویا این، تلاشی جهت تلطیف ماجرای اشتباه فقهی خلیفه سوم در

۱. همان، ج ۵، ص ۲۲.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۸۵.

۳. الاخبار الدخیله، ج ۴، ۳۰۹.

این مسأله است. همان گونه که پیداست، در ضمن این تلاش‌ها الفاظ و معانی جدیدی به پیکره اصلی حدیث افزوده شده است.

۴. نسخه

یکی دیگر از عوامل پیدایش اضافات در متن حدیث و یا اثر مکتوب، نسخه است. نسخه به معنای «رونوشتی از یک کتاب» و یا «تحریرهای مختلف یک اثر»^۱ است.

نمونه اول: رجال نجاشی

کتاب فهرست نجاشی که امروزه به رجال نجاشی شهرت دارد، اثر ابوالعباس احمد بن علی نجاشی از دانشمندان قرن پنجم هجری قمری است. این کتاب از مهم‌ترین آثار مربوط به رجال و فهرست در شیعه است. تاریخ وفات مشهور مؤلف کتاب، سال ۴۵۰ هجری قمری است. علامه حلی (م ۷۲۶ق) در انتهای باب احمد در خلاصه الاقوال تاریخ وفات نجاشی را ۴۵۰ هجری ذکر می‌کند: و تُوفِّي أبو العباس (ره) بمطيرآباد في جمادى الأول سنة خمسين و أربعمائة و كان مولده في صفر سنة اثنتين و سبعين و ثلاثمائة.^۲

چالش موجود در رابطه با رجال نجاشی عبارتی در رابطه با ابویعلی است. عبارت مربوط به ابویعلی در این کتاب بدین قرار است:

محمد بن الحسن بن حمزة الجعفری، أبو یعلی ... مات رحمه الله [فی] یوم السبت سادس عشر شهر رمضان سنة ثلاث و ستين و أربعمائة و دفن فی داره.^۳

مطابق این عبارت وفات ابویعلی تاریخ ۴۶۳ هجری قمری است؛ یعنی تاریخی که حدود سیزده سال از وفات نجاشی می‌گذرد. در رابطه با این عبارت گمانه‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از این گمانه‌ها تصحیف در تاریخ مزبور است. آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی در ضمن دو مقاله در این رابطه، احتمال اینکه این تاریخ، عبارت مصحّف ۴۳۶ هجری باشد را امری طبیعی در نسخه‌های خطی برمی‌شمرد.^۴

۱. ر.ک: «جستاری در مفهوم «نسخه»؛ سبکی در گردآوری و گزارش احادیث»، علوم حدیث، ش ۷۰، ص ۲۸ و ۲۹.

۲. ترتیب خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۰ و ۲۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۴۰۴.

۴. بنگرید: سید موسی شبیری زنجانی، «ابوالعباس نجاشی و عصر وی (۱)»، نور علم، ش ۱۱ (مرداد ۱۳۶۴): از ۱۰ تا

گمانه دوم، صحت تاریخ مذکور و وقوع افزوده‌های خواسته و یا ناخواسته بر این اثر است. آیت‌الله شبیری در ضمن مقالات فوق‌الذکر، احتمال دیگری را نیز مبنی بر اینکه تمام مدخل ابویعلی از افزوده‌های واقع بر این اثر باشد، مطرح می‌کند. ایشان این موارد را از حاشیه‌هایی که به‌طور معمول توسط دیگران بر نسخه‌های خطی نگاشته می‌شده دانسته و این احتمال را نیز دور از واقع ندانسته‌اند.

بنا بر پذیرش نظر استاد شبیری، چنین افزوده‌های به‌طور ناخواسته و بعدها به‌دلیل خلط حاشیه با متن اصلی رخ نموده است.

نمونه دوم: الاختصاص

کتاب الاختصاص امروزه به مرحوم شیخ مفید منسوب است. در قسمت اول این کتاب، به مسأله اصحاب ائمه علیهم‌السلام پرداخته می‌شود؛ اما به ناگاه، وارد بحث فضائل و مناقب امیرالمومنین علیه‌السلام شده و مجدد پس از حدود ۱۰۰ صفحه به مسأله اول باز می‌گردد. مشخص است که بنا بوده بحث اول امتداد یابد اما در میانه راه، اختلالی در کتاب پیش آمده که موجب عدم انسجام آن شده است.^۱ احتمال قوی‌تری که در مورد اختصاص وجود دارد این است که یک کتاب را وسط کتاب دیگری گذاشته‌اند؛^۲ همچنان که کتاب «صفه الجنة و النار» سعید بن جناح^۳ نیز به انتهای این کتاب افزوده شده است.^۴ نمونه‌های دیگری نیز می‌توان در این زمینه جستجو کرد.

نتیجه‌گیری

افزوده‌نگاری را می‌توان از حیثیت‌های متعددی تقسیم کرد. از جمله این دسته‌بندی‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. تقسیم به لحاظ افزوده‌نگار: افزوده‌نگار گاه مؤلف کتاب است که در نتیجه تدریس‌های متعدد یا تغییر مبنا در عملکرد، اضافاتی بر کتاب ایجاد کرده که معمولاً در تحریرهای مختلف کتاب رخ نمون می‌گردد. راوی کتاب و یا نسخه بردار هم از دیگر عوامل ایجاد افزوده بر کتاب هستند؛ ۲. تقسیم از جهت گستره افزوده: افزوده به دو نوع محدود و جزئی و افزوده

۲۶؛ سید موسی شبیری زنجانی، «ابوالعباس نجاشی و عصر وی (۲)»، نور علم، ش ۱۲ (آبان ۱۳۶۴): ۴ تا ۲۵.

۱. ر.ک: الاختصاص، ص ۹۰-۱۸۳؛ ر.ک: نقد متن، ص ۱۸۱.

۲. نقد متن، ص ۱۸۱.

۳. «سعید بن جناح... له کتاب صفة الجنة و النار و کتاب قبض روح المؤمن و الکافر»؛ رجال النجاشی،

ص ۱۹۱، ش ۵۱۲.

۴. نقد متن، ص ۱۸۲؛ الاختصاص، ص ۳۴۵-۳۶۵.

گسترده و فراوان نیز تقسیم می‌شود که با توجه به این گستره، انتساب آن به مؤلف یا افزوده‌نگار نیز تحت الشعاع قرار خواهد گرفت؛^۳ تقسیم با توجه وضعیت نشانه گذاری موارد اضافه شده: برخی از افزوده‌ها با نشانه‌گذاری مناسب توسط افزوده‌نگار قابل شناسایی و رهگیری هستند؛ اما در نقطه مقابل با حجمی از افزوده‌های پنهان در لابه‌لای متون مواجهیم. از مواردی مانند ادراج، نقل معنا، تحریف و نسخه خطی نیز می‌توان به‌عنوان برخی از عوامل و بسترهای ایجاد افزوده بر یک حدیث یا اثر حدیثی نام برد.



فهرست منابع

۱. «ابوالعباس نجاشی و عصر وی (۱)»، شبیری زنجانی، سید موسی، نور علم، شماره ۱۱، مرداد، ۱۳۶۴ ش.
۲. «ابوالعباس نجاشی و عصر وی (۲)»، شبیری زنجانی، سید موسی، نور علم، شماره ۱۲، آبان، ۱۳۶۴ ش.
۳. أساس البلاغة، زمخشری، محمود بن عمر، بیروت: دار صادر، ۱۳۹۹ ق.
۴. اسباب اختلاف الحديث، احسانی فر لنگرودی، محمد، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۴۳۲ ق.
۵. أضواء على السنة المحمدية، ابورية، محمود، قم: نشر البطحاء، بی تا.
۶. «افزوده نویسی در منابع حدیثی متقدم شیعه با تأکید بر کتاب کامل الزیارات»، پورموسی، مجتبی، پایان نامه سطح سه، قم: حوزه علمیه قم، ۱۴۰۱ ش.
۷. الاحادیث المقلوبه و جواباتها، طباطبایی بروجردی، حسین بن علی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۴ ق.
۸. الاخبار الدخيلة، تستری، محمد تقی، نجف اشرف: مکتبه صدوق، بی تا.
۹. الإختصاص، منسوب به شیخ مفید و علی میرشریفی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا.
۱۰. الرجال، محمد بن حین طوسی، تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۴۲ ش.
۱۱. السنن الكبرى، بیهقی، احمد بن الحسین، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۲. الصحاح (للجوهری)، جوهری، اسماعیل بن حماد، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. الکافی (اسلامیه)، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران: دارالکتب الإسلامیه: ۱۳۶۳ ش.
۱۴. المحلّی فی شرح المجلّی، ابن حزم اندلسی و احمد محمد شاکر، بیروت: دار الجیل، بی تا.
۱۵. الموطّات للامام مالک، نذیر حمدان، بیروت: دارالقلم، بی تا.

۱۶. النکت علی کتاب ابن الصلاح، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۹م.
۱۷. بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه، عمادی حائری، محمد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۱۸. بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۸ق.
۱۹. «بررسی ابهاماتی پیرامون اصالت کتاب عیب‌الله بن علی حلبی»، مفید، عباس، مجله سفینه، شماره ۶۲، فروردین، ۱۳۹۸ش.
۲۰. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۱. تاریخ حدیث مکتوب شیعه، مفید، عباس، قم: نشر معارف، ۱۴۰۰ش.
۲۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، بی‌جا، دار طیبیه، بی‌تا.
۲۳. تذکرة الموضوعات، صدیقی هندی، محمدطاهر بن علی، اداره الطباعة المنیریة، ۱۳۴۳ق.
۲۴. ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، علامه حلی، حسن بن یوسف، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی: ۱۳۸۱ش.
۲۵. تفسیر روایی جامع، مسعودی، عبدالهادی، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۵ش.
۲۶. تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۲۷. تهذیب اللغة، ازهری، محمد بن احمد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ش.
۲۸. تهذیب الأحكام، طوسی، محمد بن حسن، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۹. «جستاری در مفهوم نسخه: سبکی در گردآوری و گزارش احادیث»، سرخه‌ای، احسان، علوم حدیث، شماره ۷۰، زمستان، ۱۳۹۲ش.
۳۰. دانشنامه جهان اسلام بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، <https://rch.ac.ir>. دسترسی ۱۹ خرداد ۲۰۲۱م.
۳۱. رجال النجاشی، نجاشی، احمد بن علی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ش.

۳۲. روش فهم حدیث، مسعودی، عبدالهادی، تهران: سمت، ۱۳۹۵ش.
۳۳. ریاض المسائل (ط، القديمة)، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) قم: دار الإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
۳۴. سنن ابی داود، ابوداود سجستانی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۳۵. سنن الترمذی، ترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۳۶. شرح نهج البلاغة (ابن أبی الحديد)، شریف الرضی، محمد بن حسین، قم: مکتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۳۷. صحیح بخاری، بخاری، محمد بن اسماعیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۳۸. صحیح مسلم، نیشابوری، مسلم بن حجاج، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳۹. فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا، پاکتچی، احمد، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴ش.
۴۰. فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، طوسی، محمد بن حسن، قم: مکتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۴۱. الفهرست، طوسی، محمد بن حسن، قم: مکتبة المرتضویة، بی تا.
۴۲. کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، نجف اشرف: دار مرتضویة، ۱۳۵۶ق.
۴۳. مجمع البحرین، طریحی، فخرالدین بن محمد، تهران: مکتبة المرتضویة، ۱۳۷۵ش.
۴۴. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، بی تا.
۴۵. مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع، وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، قم: مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، ۱۴۲۴ق.
۴۶. معرفی توصیفی تفاسیر روایی معروف شیعه، ابوترابی، محمود، تهران: سمت ۱۳۹۳ق.
۴۷. مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط، الحدیثة)، خالصی، محمدباقر و محمدجواد بن محمد حسینی عاملی، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ق.

۴۸. من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۶۳ ش.
۴۹. منطق فہم حدیث، طباطبائی، سید محمد کاظم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ش.
۵۰. نقد متن، پاکتچی، احمد، تهران: دانشگاه امام صادق علیہ السلام، ۱۳۹۷ ش.
۵۱. نهج البلاغة (صبحی صالح)، صالح، صبحی و محمد بن حسین شریف الرضی، قم: موسسة دار الهجرة، ۱۴۱۴ ش.
۵۲. «واکاوی ابہامات درباره انتساب کامل الزیارات به ابن قولوبہ»، پور موسی، مجتبی، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۵۴، شهریور، ۱۴۰۱ ش.
۵۳. وضع حدیث، رفیعی محمدی، ناصر، قم: جامعة المصطفی صلی اللہ علیہ وسلم العالمیہ، ۱۳۹۹ ش.